

تبیین ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام علی (ع): تلفیق رویکرد اجتهادی و تحلیل محتوا

وحید خاشعی*

عطاءاله هرندی**

چکیده

یکی از مسائل مهم جهان امروز تغییرات سریع دولت و فرایندهای حکمرانی و مدیریت است. نقش سنتی و تاریخی دولت‌ها تغییر یافته و، به تبع آن، ماهیت فرایندهای حکمرانی و مدیریت در سراسر جهان دگرگون شده است. آنچه بدان بیش تر توجه شده حکمرانی خوب است. نارسایی‌های حکمرانی خوب سبب شد که مفهوم حکمرانی جامع مطرح شود. تحقیق حاضر به بیان ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی جامع از دیدگاه حکومتی امام علی (ع) می‌پردازد و مدل حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امیرمؤمنان، علی (ع)، را تدوین می‌نماید. این مقاله در دو بخش ارائه شده است: ۱. بررسی و نقد مفاهیم، نظریه‌ها، و الگوهای حکمرانی و نیز بازخوانی آن بر اساس اندیشه‌های اسلامی؛ ۲. معرفی اصول جایگزین یا مکمل الگوی حکمرانی جامع بر اساس آیات و روایات. این پژوهش بنیادی است و در آن با تلفیق روش اجتهادی و هرمنوتیک به تبیینی باثبات و درخور اعتبار درباره مؤلفه‌های حکمرانی جامع از منظر آموزه‌های امام علی (ع) دست یافته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، حکمرانی خوب، حکمرانی جامع، روش اجتهادی، روش هرمنوتیک.

* استادیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه علامه طباطبائی Khashei@atu.ac.ir

** دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی - مدیریت استراتژیک، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

Harandi@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۷

۱. مقدمه

در مطالعه و عمل مدیریت دولتی عناصر فرهنگی و دیگر عناصر بومی، که ویژه جوامع خاص اند، باید مد نظر قرار گیرد. از طرفی، مدل‌های غربی دیوان‌سالاری و مدیریت برای بسیاری از جوامع در حال توسعه، اغلب، مشکل‌آفرین‌اند و در بیش‌تر اوقات پیش‌فرض‌هایی دارند که با خصوصیات کشورهای در حال توسعه سازگار نیستند (Farazmand, 2001). یکی از مسائل مهم جهان امروز تغییرات سریع دولت و فرایند حکمرانی و مدیریت (administration) در عصر جهانی شدن شتابان (به هر گونه که تعریف شود) است. نقش سنتی و تاریخی حکومت و دولت، که تحت تأثیر جهانی شدن موجب تغییر عمده در ماهیت دولت‌ها می‌شد، تغییر یافته است. هم‌چنین، ماهیت در حال تغییر دولت‌ها ماهیت فرایندهای حکمرانی و مدیریت را در سراسر جهان عوض کرده است. نتیجه آن دگرگونی عظیم فرایندهای حکمرانی و اداره امور عمومی (public administration) و هم‌چنین پدید آمدن مؤسسات نهادی دولت‌ها در جهان معاصر است. نیروی عمده در پشت این تغییرات و دگرگونی‌های عمده جهانی شدن سرمایه (globalization of capital) است؛ فرایندی که فراتر از دولت‌های ملی، نظام‌های اقتصادی، بازارها، مؤسسات، و فرهنگ‌هاست. فرایند جهانی شدن به سبب چند عامل و نیروی مؤثر شتاب گرفته است؛ این عوامل و نیروها عبارت‌اند از: نوآوری‌های تکنولوژیکی؛ اقتصاد داخلی در حال زوال کشورهای قدرت‌مند صنعتی شمال (کشورهای ثروتمندتر و پیشرفته‌تر جهان به‌ویژه در اروپا و امریکای شمالی)؛ فشارهای نظامی و سیاسی این کشورها بر کشورهای جهان سوم؛ سقوط اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به منزله سیستم قدرت دیگر جهان؛ نقش تبلیغات غربی ایدئولوژیک؛ نقش ادارات سازمان ملل، مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی؛ بالارفتن انتظارات شهروندان، از جمله تقاضای نیروی کار برای سهیم شدن در قدرت مدیریت و دموکراسی سازمانی؛ و دسترسی به نیروی کار جدید ارزان در میان گروه‌های جنسیتی و ملی در سراسر جهان. هم‌چنین، همراه با شتاب‌گیری فرایند جهانی شدن، جنبش جهانی توده مردم علیه جهانی شدن گسترش یافته است. این جنبش جهانی است که تقلیل تأثیرات نامطلوب سرمایه جهانی شونده شرکت‌ها را از طریق کنترل و کاهش نتایج منفی گسترده جهانی شدن، مانند تباهی محیط زیست، چپاول اقتصادی، فقر، کار اجباری، کارکردن کودکان، و بردگی دستمزد، در نظر دارد. این همه دگرگونی دولت و مدیریت (transformation of government and administration)

فرایندها، ساختارها، و ارزش‌های حکمرانی و اداره امور عمومی را در همه جا به چالش طلبیده است. نیاز به ظرفیت‌سازی، بهبود و نوآوری در خط‌مشی و مدیریت - در صورتی که دولت‌ها بخواهند با چالش‌های جهانی شدن مواجه شوند و آن را مهار کنند - از هر زمان دیگر ضروری‌تر به نظر می‌رسد. آنچه مورد نیاز است کاربرد مفهومی جدید است: یعنی «حکمرانی جامع». ما در مواجهه با چالش جهانی شدن و دیگر چالش‌ها و فشارهایی که استقلال و حق تعیین سرنوشت‌مان را تهدید می‌کنند باید به سنت اسلامی خودمان بازگردیم، زیرا آنچه تا کنون باعث پیروزی انقلاب و تداوم آن، با وجود مشکلات و تهدیدهای فراوان شده، باور به سنت‌ها و ارزش‌های اسلام ناب بوده است.

۲. بیان مسئله

صاحب‌نظران درباره حکمرانی دیدگاه‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند، ولی آنچه درباره آن بیش‌تر مطالعه شده «حکمرانی خوب» است. ادارات سازمان ملل، مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، و بیش‌تر دولت‌ها و شرکت‌های غربی از این مفهوم حمایت و آن را ترویج می‌کنند. این مفهوم به یکی از مهم‌ترین شرایط برای کشورهای جهان سوم در آسیا، آفریقا، و امریکای لاتین و مرکزی، به منزله شرط کمک بین‌المللی، تبدیل شده است. هم‌چنین، در سراسر جهان، سمینارها، کارگاه‌های آموزشی، و کنفرانس‌هایی برگزار شده که در آن به این مفهوم تأکید می‌کنند. اما مفهوم حکمرانی خوب، دست کم، از دو جنبه نارساست و دارای اشکال: یکی این‌که فقط تعامل سه نیرو یا عامل (تعامل میان حکومت، جامعه مدنی، و بخش خصوصی) برای ساختن حکمرانی خوب یا به منزله عواملی که در آن مشارکت دارند در نظر گرفته شده است. این تعامل سه‌گانه مهم‌ترین عاملی را که بر حکمرانی در کشورهای در حال توسعه یا کم‌تر توسعه‌یافته تأثیر می‌گذارد نادیده می‌گیرد؛ این عامل ساختار قدرت جهانی (قدرت جهانی شونده حکومت و نخبگان بین‌المللی شرکت‌ها) است. مشکل دیگر این تعریف گرایش شدیداً ارزشی آن است؛ گرایشی که قدرت‌های بین‌المللی آن را تعیین کرده‌اند. این همان ساختار قدرت بین‌المللی است که شرکت‌های جهانی شونده جهانی و دولت ایالات متحده آن را رهبری می‌کنند و تحت سلطه آنهاست. این ساختار هم‌چنین حکمرانی خوب و استلزامات آن را تعریف کرده است؛ این نخبگان جهانی قدرت‌مند آنچه خوب است و آنچه بد است، به صورت یک‌جانبه، تعریف کرده‌اند. این نارسایی و دیگر مشکلاتی که در مفهوم حکمرانی خوب و دیگر

مفاهیم حکمرانی وجود دارد بر انتخاب مفهومی جایگزین و جامع‌تر تأیید می‌کنند: مفهوم «حکمرانی جامع» (Farazmand, 2004). آنچه خلأ آن در ادبیات رشته مدیریت دولتی مشهود است موضوع حکمرانی جامع، به منزله جایگزینی برای حکمرانی خوب، است. برای پُر کردن این خلأ، تحقیق حاضر درصدد است اصول حکمرانی جامع را از سیره حکومتی امام علی (ع) استخراج نماید. این اصول مستخرج از نهج البلاغه را «حکمرانی متعالی» نام می‌گذاریم. بنابراین، هدف از این تحقیق استخراج الگوی حکمرانی جامع (حکمرانی متعالی) بر اساس سیره حکومتی امام علی (ع) است. پژوهش حاضر در تلاش است گامی در جهت تولید نظریه حکمرانی متعالی با بستر اسلامی - ایرانی بردارد و ارائه‌دهنده راهکارهای متناسب برای دولت‌های اسلامی باشد. از آنجایی که حکومت جمهوری اسلامی ایران بر اساس اسلام شکل گرفته است، تبیین حکمرانی جامع (متعالی) با نگاه به سیره امام علی (ع) از اولویت‌های مهم به‌شمار می‌آید. از سوی دیگر، در سال‌های اخیر موضوع حکمرانی، به‌ویژه حکمرانی خوب، از موضوعات مورد توجه برنامه‌ریزان و مسئولان نظام بوده است. در برنامه پنجم توسعه و برنامه‌های هفتگانه تحول در نظام اداری کشور به این موضوع پرداخته شده و اخیراً هم مسئولان عالی سازمان بازرسی کل کشور به موضوع حکمرانی خوب عنایت خاصی داشته‌اند. بنابراین، با توجه به گستردگی میزان توجه به این مفهوم و قرار گرفتن آن به منزله مبنایی عمده برای برنامه‌ریزی و نظارت در کشور و نیز با توجه به مشکلات متعدد موجود در مفهوم حکمرانی خوب، تحقیق حاضر در اتخاذ رویکرد انتقادی و داشتن نگاهی اسلامی شکل گرفت.

۳. اهداف و پرسش‌های پژوهش

با توجه به خلأ موجود، این پژوهش بر آن است تا با تاسی از سیره حکومتی امیرمؤمنان، حضرت علی (ع)، به خلق نظریه حکمرانی متعالی بپردازد. پرسش‌های پژوهش به شرح ذیل است:

- سؤال اصلی: مؤلفه‌های حکمرانی جامع در سیره حکومتی امام علی (ع) کدام است؟
- سؤال فرعی ۱: بُعد فرایند حکمرانی در سیره حضرت چگونه است؟
- سؤال فرعی ۲: بُعد ساختار حکمرانی در سیره حضرت چگونه است؟
- سؤال فرعی ۳: بُعد شناخت و ارزش‌ها در سیره حضرت چگونه است؟
- سؤال فرعی ۴: بُعد سازمان و نهاد در سیره حضرت چگونه است؟

- سؤال فرعی ۵: بُعد مدیریت و عملکرد در سیره حضرت چگونه است؟
- سؤال فرعی ۶: بُعد سیاست‌گذاری در سیره حضرت چگونه است؟
- سؤال فرعی ۷: بُعد ویژگی‌های بخشی حکمرانی در سیره حضرت چگونه است؟
- سؤال فرعی ۸: بُعد اخلاق، پاسخ‌گویی، و شفافیت در سیره حضرت چگونه است؟

۴. مبانی نظری

۱.۴ ابعاد حکمرانی جامع

حکمرانی جامع از مؤلفه‌ها یا ابعاد متعددی تشکیل شده است. این اجزای تشکیل‌دهنده، به منزله اجزای پُر جنب و جوش یک سیستم پویا، فعالانه با یکدیگر تعامل می‌کنند و همگی واحدِ منحصر به فردی را تشکیل می‌دهند که همراه با تنوع، پیچیدگی و جدیت داخلی و چالش‌ها، محدودیت‌ها و فرصت‌های خارجی کار می‌کنند. ویژگی‌های پویای داخلی و خارجی دائماً تعامل می‌کنند و این در حالی است که سیستم پویا حکمرانی را در مسیر و فعالیت‌های هدف‌مند حفظ می‌کنند. تنوع به سیستم حکمرانی فرصت دریافت بازخور از نیروهای دیالکتیکی مخالف را می‌دهد که مانند سازوکارهای کنترل و موازنه عمل می‌کند. هم‌چنین، تنوع خون تازه را به درون سیستم تزریق می‌کند و نوآوری و خلاقیت را افزایش می‌دهد. پیچیدگی، به منزله ثمره فعالیت پویای تنوع، و وارد شدن فزاینده تعداد زیادی از نیروهای خارجی و محیطی، که عملکرد سیستم حکمرانی را به چالش می‌کشند، گسترش می‌یابد. بنابراین، پیچیدگی محصول تعاملات فزاینده میان نیروهای دیالکتیکی است که میدان فعالیت سیستم حکمرانی را شدیداً مملو از فعالیت‌های پُر جنب و جوش نگه می‌دارد. این فرایند در فعالیت بین‌المللی و واکنش‌های پویایش نسبت به فشارها، فرصت‌ها، و محدودیت‌های محیط خارجی - در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای، و جهانی - به درجات مختلف هیجان در درون سیستم حکمرانی منجر می‌شود. هر چه فرصت‌ها و عناصر پشتیبان خارجی بیش‌تر باشد، عملیات سیستم در درون روان‌تر می‌شود (دهقانان و مرندی، ۱۳۹۳).

برعکس، هر چه فشارها، چالش‌ها، و محدودیت‌های (مثلاً تحریم‌ها، تبلیغات، خصومت، تعارضات مرزی، جنگ‌ها، و فشارهای بین‌المللی مالی / اقتصادی) دریافتی از خارج بیش‌تر باشد، عملکرد سیستم داخلی حکمرانی مشکل‌تر می‌شود. اما این مسئله به

سیستم حکمرانی در میان گرفتاری فرصت تازه‌ای می‌دهد: جدیت در تعاملات داخلی پویا در میان نیروهایی که به لحاظ دیالکتیکی در میدان عمل متضادند افزایش می‌یابد؛ فرایندی که به بالارفتن سطح ظرفیت‌سازی، نوآوری، خلاقیت، و واکنش‌پذیری انطباقی کمک می‌کند. و این ویژگی‌ای است که گواه بر سلامتی فرایند پویا و ساختار سیستم حکمرانی جامع است، زیرا سیستم از طریق خلاقیت و نوآوری در سیاست‌گذاری و مدیریت در زمینه‌های متعددی به توسعه خوداتکایی وادار می‌شود و گام‌هایی جهنده به سوی ظرفیت‌سازی و تقویت خود-حکمرانی (self-governance) و مدیریت برمی‌دارد. این همان ویژگی حکمرانی است که سیستم را بی‌عیب و نقص و پویا می‌سازد.

حکمرانی جامع ابعاد متعددی دارد: این ابعاد عبارت‌اند از: ۱. فرایند، ۲. ساختار، ۳. شناخت و ارزش‌ها، ۴. قانون اساسی، ۵. سازمان و نهاد، ۶. مدیریت و عملکرد، ۷. سیاست‌گذاری، ۸. بخش، ۹. نیروهای بین‌المللی جهانی‌سازی، و ۱۰. اخلاق پاسخ‌گویی و شفافیت. هر یک از این ابعاد، به اتفاق دیگران، همراه با یک رهبری جامع و مشارکت فعال عناصر متعامل یا بخش‌هایی که در بالا ذکر شد، مانند یک ارکستر عمل می‌کند و به سیستم حکمرانی ویژگی‌هایی فراتر از انتظارات می‌بخشد (Farazmand, 2004 b).

۵. روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر دارای ماهیت بنیادی است و نقطه کانونی آن بررسی الگوی حکمرانی جامع بر اساس مطالعات دانشمندان علم مدیریت دولتی و تحلیل آن بر اساس رویکرد اسلامی است. از این رو، مطالعات تجربی و روش‌های اثباتی روش تحقیق مناسبی برای آن نیست. به عبارت دیگر، مراجعه به آرای دانشمندان و گفته‌های ایشان درباره الگوهای حکمرانی و بررسی آن بر اساس سیره حکومتی حضرت علی (ع) مستلزم روشی علمی و تحقیقی است که ابعاد گوناگون موضوع را به طور دقیق و جامع شامل شود. به نظر می‌رسد مناسب‌ترین روش برای این پژوهش، که از دو ویژگی ثبات (stability) و اعتبار (validity) لازم برخوردار باشد، تلفیقی از روش اجتهادی و روش تجزیه و تحلیل فراترکیب است. تحقیق حاضر شامل دو بخش است: ۱. مراجعه به تحقیقات دانشمندان مدیریت درباره بررسی و نقد مفاهیم، نظریه‌ها، و الگوهای حکمرانی جامع؛ ۲. معرفی اصول جایگزین یا مکمل الگوی حکمرانی جامع بر اساس سیره حکومتی امیرمؤمنان، علی (ع)، با تلفیقی از روش اجتهادی و تحلیل محتوا.

۶. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش بر اساس الگوی مختار حکمرانی، یعنی حکمرانی جامع، به بررسی گفته‌ها و نوشته‌های حضرت علی (ع) در زمینه حکمرانی پرداخته شده است. نکته حائز اهمیت این است که مباحث انتقادی، نسبت به الگوهای رایج حکمرانی، که هم در وادی نظر و هم در عرصه عمل بیش‌تر بدان توجه شده، در گزارش قبلی و بر اساس مبانی نظری علمی غربی نقد و جرح و تعدیل شده است و آنچه بر اساس آن مطالعه اسلامی صورت می‌گیرد حداقل در نگاه اجمالی و برداشت ارتكازی دارای کم‌ترین ایراد و اشکال است. توضیح آن‌که در برخورد با ادبیات علمی تولیدشده در غرب دو مرحله در پیش رو داریم: اولاً، باید نظریه‌ها و الگوهای غربیان را، که از نظر ما دچار مشکل است و با مبانی ما ناسازگار، نقد کنیم و نظریه‌ها و الگوهای کم‌اشکال‌تر را برگزینیم؛ ثانیاً، سعی کنیم با مراجعه به متون دینی و سایر منابع استنباط اسلامی، کاربردی‌ترین نوع نگاه که منجر به استخراج الگویی منتخب می‌شود، شناسایی کنیم.

۱.۶ بیان مفاهیم ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره امام علی (ع)

۱.۱.۶ فرایند

حکمرانی جامع فرایند حکومت‌کردن را با تعامل همه عناصر یا ذی‌نفعان درگیر دربر دارد. در اندیشه سیاسی و سلوک حکومتی امام علی (ع) نقش اصلی و کلیدی در حکومت از آن مردم است؛ بدین معنی که حکومت بدون مردم و بدون خواست آنان تحقق نمی‌یابد و بدون اقبال و رأی مردم مشروعیت سیاسی پیدا نمی‌کند و بدون حضور و مشارکت همه‌جانبه مردم به‌درستی اداره نمی‌شود و، فارق از محور قراردادن مردم، حکومت سلامت نخواهد داشت. بنابراین، مردم نقشی ایجاد، ابقایی، و اصلاحی دارند و تحقق حکومت و صلاح و سامان و پابرجایی و سیر به سوی اهداف آن به مردم بسته است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹ الف). امیرمؤمنان تحقق حکومت خود را این‌گونه معرفی کرده است:

سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود و یاران حجّت را بر من تمام نمی‌کردند و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته رهایش می‌ساختم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌کردم (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۶: خطبه ۳).

پس از ۲۵ سال، مردم یک‌پارچه و سر از پا نشناخته، در حرکتی عمومی، از امام علی (ع) خواستار پذیرش حکومت شدند. آنان با اصرار فراوان امام علی (ع) را راضی کردند تا حکومت را بپذیرد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹ الف). امیرمؤمنان چنین بیان فرموده است: رسول خدا به من فرمود: 'اگر مردمان بر تو گرد آمدند، آنچه به تو فرمان داده‌ام به‌جا آور و امرشان را به‌عهده گیر، و گرنه خود را به کناری فرود آر و آنان را واگذار.' پس چون مردمان از گردم پراکنده شدند، به‌ناچار دست فروهشتم و خار در چشم دیده فروبستم و خود را به کناری کشیدم (شرح ابن ابی‌الحدید: ۲۰/۳۲۶).

امیرمؤمنان نه تنها در شکل‌گیری حکومت برای مردم چنین جایگاهی قائل بود، بلکه سامان امور حکومت را به استقامت و سلامت مردم می‌دانست، چنان‌که در ضمن خطبه‌ای در صفین فرموده است: «و والیان به صلاح و سامان نیابند، مگر به راستی و درستی مردمان» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۶: خطبه ۲۱۶). حکومت اسلامی جز با راستی و درستی و پایداری مردمان و حضور و مشارکت همه‌جانبه مردمان سامان نمی‌یابد. امیرمؤمنان تلاش می‌کرد تا مردمان حکومت را این‌گونه بفهمند و از مناسبات سلطه‌گرایانه و سلطه‌پذیرانه بیرون شوند و در همه عرصه‌ها حضوری واقعی داشته باشند، چنان‌که خطاب به آنان فرمود:

پس با من چنان‌که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند حرف نزنید و چنان‌که از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند دوری نجوید و با ظاهرسازی با من رفتار نکنید و گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید، بر من گران آید یا در پی بزرگ نشان‌دادن خویشم، زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه‌شدن عدالت بر او مشکل باشد عمل کردن به آن برای او دشوارتر خواهد بود. پس، از گفتن حق یا مشورت در عدالت خودداری نکنید، زیرا خود را برتر از آن‌که اشتباه کنم و از آن ایمن باشم نمی‌دانم، مگر آن‌که خداوند مرا حفظ فرماید (همان).

۲.۱.۶ ساختار

گفتیم که منظور از ساختار مجموعه‌ای از عناصر تشکیل‌دهنده، بازیگران قوانین، مقررات، رویه‌ها، چهارچوب‌های تصمیم‌گیری، و منابع معتبر است که فرایند حکمرانی را تأیید می‌کنند یا به آن مشروعیت می‌بخشند. نظام اداری‌ای که به امام علی (ع) تحویل داده شد به‌هیچ‌وجه متناسب با حکومت عدل علی (ع) نبود و فساد و حیف و میل در بیت‌المال و اعمال خلاف قانون و اخلاق کارگزاران و عوامل حکومتی نارضایتی عمومی را برانگیخته بود. امام (ع) در همان روز بیعت اعلام کردند که اهل سازش و مداهنه نیستند و، به‌رغم

شایعات و اتهاماتی که درباره قتل عثمان به حضرت نسبت داده می‌شد، در مخالفت صریح با سیاست او فرمودند (مهاجرنیا، ۱۳۸۵):

به خدا سوگند، بیت‌المال تاراج‌شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن بازمی‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است، و آن کس که عدالت بر او گران آید تحمل ستم برای او سخت‌تر است (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۶: خطبه ۱۵).

حضرت، در مراسم بیعت مردم، از اصلاحات بنیادی خبر داد و فرمود:

بدانید که روزگار دگرباره شما را به بوتۀ آزمایش ریخت، مانند روزی که خدا پیامبر شما را برانگیخت. به خدایی که او را به راستی مبعوث فرمود، به هم درخواهید آمیخت و چون دانه، که در غربال ریزند یا دیگ‌افزار که در دیگ ریزند، روی هم خواهید ریخت تا آن‌که در زیر است زبر شود و آن‌که بر زبر است به زیر درشود. و آنان که واپس مانده‌اند پیش برانند و آنان که پیش افتاده‌اند واپس مانند (همان: خطبه ۳۹).

۳.۱.۶ شناخت و ارزش‌ها

شناخت یا بُعد ارزشی بیانگر نظام ارزشی منحصر به فرد یا منحصراً ساختار یا فرایند حکمرانی است. از اصول مهم اداره امور در اندیشه و سیره سیاسی امیرمؤمنان، علی (ع)، اصل عدالت است، که معیار همه چیز است و جز بدان نمی‌توان به اهداف دولت اسلامی و فراهم کردن زمینه تعالی فرد و جامعه دست یافت. معیار بودن عدالت در اداره مردمان تا بدان جاست که قوانین باید تابع عدالت باشد و استحقاق‌ها در همه امور رعایت شود و هر گونه تبعیض از جامعه زدوده شود. معنای اصلی عدالت در اداره امور این نیست که افراد هیچ‌گونه فرقی با یکدیگر نداشته باشند و با همه در همه چیز یکسان رفتار شود، که این امر در پاره‌ای موارد عین ستم است، بلکه معنای اصلی عدالت در اداره امور این است که تفاوت‌ها و امتیازات بر مبنای صلاحیت و استحقاق باشد و هر کس و هر چیز در جای مناسب خود قرار گیرد؛ همان‌طور که در امتحان گرفتن از دانش‌آموزان مبنای عمل برای امتیاز دادن صلاحیت و استحقاق است و رعایت عدالت در آن‌جا بدین معنا نیست که به همه نمره مساوی داده شود، عدالت اقتضا می‌کند که زمینه مساوی برای همگان فراهم شود و هر کس به میزان بروز استعداد و تلاش خویش بتواند از امکانات بهره‌مند شود و استحقاق‌های هر یک، آن‌طور که هستند، مساوی رعایت شود و به هر کس نمره و امتیاز درخور او، بدون هیچ تبعیضی، داده شود. خداوند آنان را که بر اساس حق و عدالت رفتار می‌کنند گروه رستگاران

می‌نامد. پیروان راستین پیامبر خاتم نیز بر همین راه و رسم به اداره امور می‌پردازند. خدای متعال فرموده است: «و از آن‌ها که آفریدیم گروهی به حق هدایت می‌کنند و به حق اجرای عدالت می‌نمایند» (اعراف: ۱۸۱). عدالت و عدالت‌خواهی با سرشت علی (ع) عجین بود و نام او یادآور عدالت محض و راه و رسم مدیریت او همه بر عدالت بود که عدالت عین وجود او بود. جرج جرداق مسیحی درباره پیشوای عدالت‌پیشگان، علی (ع)، می‌نویسد:

آیا در مهد عدالت بزرگی را می‌شناسی که همیشه بر حق و حقیقت بوده باشد، ولو آن‌که همه مردم روی زمین بر ضد او متحد می‌شدند و دشمنان او اگرچه کوه و بیابان را هم پُر می‌ساختند، بر باطل و گمراهی بودند، زیرا که عدالت در او یک مذهب و یک امر اکتسابی نیست - گو این‌که بعداً خود روش و مکتبی شد - و برنامه‌ای نیست که سیاست دولت آن را تشریح کرده و به وجود آورده باشد - ولو این‌که این نقطه هم در مد نظر وی بود - و راهی نیست که به طور عمد آن را ببیند تا در نزد مردم به مقام صدارت برسد، ولو این‌که او این راه را رفت و در دل‌های پاکان برای همیشه جای گرفت... بلکه عدالت در بنیاد و مبادی اخلاقی و ادبی او اصلی است که با اصول دیگری پیوند دارد و طبیعی است که ممکن نیست که او خود را بر ضد آن وادارد تا آن‌جا که گویی این عدالت ماده‌ای است که در ارکان جسمی و بنیان بدنی او مانند مواد دیگر به کار رفته و وجود او را تشکیل داده‌اند و، در واقع، عدالت خونی باشد در خونس و روحی باشد در روحش (فریدونی، ۱۳۸۵).

اهمیت عدالت در اداره امور نزد علی (ع) تا بدان جاست که از حضرتش روایت شده است که فرمود: «ملاک السیاسة العدل»: معیار سیاست عدالت است (شرح غرر الحکم و درر الکلم: ۱۱۶/۶). پیوند دولت و مردم و همدلی و همراهی آن دو جز در سایه عدالتی فراگیر در مدیریت حاصل نمی‌شود. علی (ع) فرموده است: «عدالت نظام‌بخش حکومت است» (همان: ۲۸/۱). عدل‌نگه‌دارنده ملت است (همان: ۲۶/۱). اصل عدالت باید در همه ارکان و شئون اداره امور جاری باشد تا اهداف دولت اسلامی به درستی تحقق یابد. از مهم‌ترین عرصه‌های عدالت در مدیریت، که هر یک رکنی رکن است، عبارت‌اند از:

حقیقت آن است که کسانی می‌توانند پایبند عدالت در اداره امور باشند و تبعیض روا ندارند و هر کس و هر چیز را در جای خود و بنا بر استحقاقش قرار دهند که عدالت را در خود تحقق بخشیده باشند و متصف به صفت عدالت باشند، که اگر این نباشد، عدالت‌خواهی معنا نمی‌یابد. اداره امور بر اساس اصل عدالت کسانی را می‌طلبد که عدالت را در خود محقق نمایند (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹ ب).

امیرمؤمنان، علی (ع)، فرموده است:

همانا بهترین و محبوب‌ترین بنده نزد خدا بنده‌ای است که خدا او را در پیکار با نفس یاری داده است... خود را به عدالت واداشته و آغاز عدالت او آن‌که هوای نفس را از دل بیرون رانده است، حق را می‌شناساند، و به آن عمل می‌کند (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۶: خطبه ۸۶).

از مختصات مهم پایبندی به عدالت در مدیریت انتخاب افراد و واگذاری کارها و مسئولیت‌هاست بر اساس شایستگی‌های لازم برای آن مسئولیت و نیز دوربودن از خواهش‌های دل و پیوندهای خویشی و ارتباطات ناسالم. زمامداران امانت‌داران مردم‌اند. از مصادیق مهم امانت‌داری این است که کارها به کاردانان و شایستگان سپرده شود؛ در غیر این صورت باب همه ستم‌ها گشوده می‌شود. خدای متعال فرمان داده است که امانت‌ها به اهلش سپرده شود: «خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید. و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید» (نساء: ۵۸). از ظاهر آیه برمی‌آید که مفهوم امانات در این جا مفهومی عام است که مشتمل بر همه امانات است. البته، از امانات مهم رهبری و پیشوایی و کارگزاری خلق است. مدیریت مردم امانتی است سنگین که باید به اهلش سپرده شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹ ب). امیرمؤمنان، علی (ع)، در نامه‌ای به قاضی رفاعه، که امام (ع) او را به منصب قضاوت در اهواز گماشته بود، چنین آورد:

بدان ای رفاعه، که این حکومت امانتی است که هر کس به آن خیانت کند لعنت خدا تا روز قیامت بر او باشد و هر کس خائنی را استخدام کند و بر سر کار نهد محمد (صلی الله علیه و آله) از او در دنیا و آخرت بیزار است (نهج‌السعادة: ۳۶ / ۵).

از اهداف مهم دولت اسلامی اقامه عدالت است، بنابراین، هر سیاست و برنامه‌ای باید در جهت این هدف سامان یابد تا سیر به سوی مهم‌ترین هدف تشکیل حکومت به‌درستی فراهم شود. علی (ع) در عهدنامه مشهور خویش به مالک اشتر فرموده است: «دوست‌داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۶: نامه ۵۳). محور قراردادن عدالت در سیاست‌گذاری‌ها چنان مهم و اساسی است که همه حرکت‌ها و برنامه‌ها باید با آن هماهنگ شود. در منظر پیشوای عدالت‌خواهان، علی (ع)، ارزش عدالت ارزشی محوری و فراگیر است و این ارزش محوری برتر از هر خدمت اجتماعی دیگر است. در دولت اسلامی خدمات اجتماعی حرکتی است برای پُرکردن شکاف‌های ناشی از بی‌عدالتی تا زمانی که عدالت به طور گسترده حاکم شود و همه را در آغوش عافیت خویش گیرد، نه آن‌که

عدالت محور سیاست‌گذاری‌ها نباشد و بی‌عدالتی مردمان را به فلاکت کشد و به جای پرداختن جدی در جهت برپایی عدالت به خدمات اجتماعی دل خوش کرد. البته، خدمات اجتماعی در جای خود گران‌قدر و مفید است، اما اگر خدمات اجتماعی بدون جهت‌گیری عدالت‌خواهانه و فارغ از اصل اصیل عدالت صورت پذیرد، راه به جایی نخواهد برد، زیرا آن مقدار از شکاف‌ها که با خدمات اجتماعی پُر می‌شود با بی‌عدالتی شکاف‌هایی به مراتب بسیار عمیق‌تر ایجاد می‌گردد. در چنین اوضاع و احوالی، اگر عدالت محور سیاست‌گذاری‌ها نباشد، آهنگ حرکت بی‌عدالتی شتابان و آهنگ رشد خدمات اجتماعی کُند خواهد بود و روز به روز فاصله‌ها بیش‌تر و شکاف‌ها عمیق‌تر خواهد شد. اهتمام امیرمؤمنان، علی (ع)، در خدمات اجتماعی در پیوند عمیق با عدالت‌خواهی وی بود.

جامعه‌ای که بر اساس ارزش‌ها اداره شود جامعه‌ای استوار و ارزشمند است. و جامعه‌ای که در مسیر عدالت حرکت نکند ارزش‌ها در آن واژگونه می‌شود و ضدارزش‌ها حاکم می‌شود؛ جای خوبی و بدی، زشتی و زیبایی، رحمت و شقاوت، و مروت و نامردمی تغییر می‌یابد؛ چنان که علی (ع) در توصیف جامعه‌ی زمان خود، که محصول مدیریتی به دور از عدالت بود، فرمود:

ای مردم، در روزگاری کینه‌توز و پُر از ناسپاسی و کفران نعمت‌ها صبح کرده‌ایم که نیکوکار بدکار به‌شمار می‌آید و ستمگر بر تجاوز و سرکشی خود می‌افزاید. نه از آن‌چه می‌دانیم بهره می‌گیریم و نه از آن‌چه نمی‌دانیم می‌پرسیم و نه از حادثه‌ی مهمی تا بر ما فرود نیاید می‌ترسیم (همان: خطبه ۳۲).

آن‌جا که عدالت ظهور ندارد انحراف و ستم و ناسپاسی ظهور می‌یابد. در چنین جامعه‌ای آن‌کس که تباهی نمی‌کند ناشایست شمرده می‌شود، سرزنش می‌گردد، و تحت فشارهای روانی - اجتماعی قرار می‌گیرد تا هم‌رنگ جامعه شود و ضدارزش‌های آن را بپذیرد. و آن‌کس که تباهی می‌کند بهترین موقعیت‌ها را می‌یابد و، به سبب موقع‌شناسی و زمانه‌فهمی، تمجید می‌شود. در چنین زمانه‌ای ستم‌گرا حد و مرزی ندارد، دانسته‌ها و معارف به‌کار نمی‌آید، و مردمان از آن‌چه نمی‌دانند نمی‌پرسند. تمایل به غفلت همه را فرامی‌گیرد و کسی نمی‌خواهد از عاقبت این بی‌عدالتی آگاه شود. اگر عدالت نباشد، جامعه عرصه‌ی جولان زور و ستم و غارت و چپاول می‌شود؛ و در چنین عرصه‌ای فضیلت‌ها و ارزش‌ها فراموش می‌شود. روزگار گزنده و درنده‌خوی می‌شود و خوی درندگی اهل حرص و طمع تحریک می‌شود. توان‌گران بر آن‌چه دارند دندان می‌فشارند و بر آن‌چه

ندارند از می‌ورزند. بینوایان در زیر فشار بی‌عدالتی، به‌ناچار، تن به هر داد و ستدی می‌دهند؛ گران می‌خرند و ارزان می‌فروشند و هستی‌شان به تاراج یغما می‌رود. در چنین جامعه‌ای حرام‌خواری و بدکاری و تباهگری بسیاری را در کام هلاکت فرومی‌بلعد. در جامعه پشت‌کرده به عدالت، اشرار و بدکاران رفعت می‌یابند و نیکان و اختیار به ذلت کشیده می‌شوند. این تصویری است که امیرمؤمنان، علی (ع)، ارائه می‌کند و می‌فرماید:

مردم را روزگاری دشوار در پیش است که توانگر اموال خود را سخت نگه دارد، در صورتی که به بخل‌ورزی فرمان داده نشد. خدای سبحان فرمود: 'بخشش میان خود را فراموش نکنید'. بدان در آن روزگار، بلندمقامان و نیکان خوار گردند و با درماندگان به ناچاری خرید و فروش می‌کنند، در حالی که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از معامله با درماندگان نهی فرموده.

ارزش یک جامعه به میزان دادگری و عدالت‌خواهی در آن است. جامعه‌ای که در آن بی‌عدالتی روا شود و در آن حق ضعیف گرفته شود فاقد هر ارزشی است. جامعه‌ای که در آن زبان مردمان از حق‌گویی بسته باشد تباه است. جامعه‌ای که در آن ترس از بیان حق و عدل و برپاداشتن آن حاکم باشد خوار است و هرگز رو به سعادت نمی‌رود. پیشوای عدالت‌گستران، علی (ع)، در عهدنامه حکومتی مالک اشتر فرموده است:

من از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بارها شنیدم که می‌فرمود: 'ملت‌ی که حق ناتوانان را از زورمندان بی‌اضطراب و بهانه‌ای بازنستاند رستگار نخواهد شد' (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۶: نامه ۵۳).

در اندیشه سیاسی امیرمؤمنان، علی (ع)، همه ارزش‌های اجتماعی در گرو عدالت است و اگر عدالت رنگ بازد، همه ارزش‌ها رنگ می‌بازد. عدالت مایه بقا و صحت ارزش‌هاست. ارزش‌ها در زمین عدالت شکوفا می‌شود و رشد می‌کند. نظارت و ارزش‌یابی از لوازم مهم و اساسی در اداره امور است؛ و البته زمانی کارساز و مفید خواهد بود که عدالت بر آن حاکم باشد. امیرمؤمنان، علی (ع)، در عهدنامه خود به مالک اشتر چنین فرموده است:

و در یک ارزش‌یابی دقیق رنج و زحمات هر یک از آنان را شناسایی کن و هرگز تلاش و رنج کسی را به حساب دیگری نگذاشته و ارزش خدمت او را ناچیز مشمار تا شرافت و بزرگی کسی موجب نگردد که کار کوچکش را بزرگ بشماری، یا گم‌نامی کسی باعث شود که کار بزرگ او را ناچیز بدانی (همان).

هم‌چنین، علی (ع) به مالک اشتر نوشت:

هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند، زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌ربط و بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند، پس هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده. (همان).

امیرمؤمنان، علی (ع)، خود نظارتی دقیق بر عملکرد کارگزارانش داشت و با عدالتی بی‌مانند آنان را تشویق یا تنبیه می‌کرد و از مسئولان خود نیز می‌خواست تا همین‌گونه عمل کنند (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹ ب).

رعایت انصاف در اداره امور مخالفت‌ها را می‌زداید و قلب‌ها را به یک‌دیگر پیوند می‌دهد و راه‌های سخت را هموار می‌سازد، چنان‌که از امام علی (ع) وارد شده است:

«انصاف ورزیدن مخالفت مردمان را می‌زداید و موجب الفت ایشان می‌شود» (شرح غررالحکم و درر الکلم: ۳۰/۳). اگر این پایگاه پیوند و الفت آسیب ببیند، مهم‌ترین تکیه‌گاه حکومت و مدیریت شکسته می‌شود و هرچه خدمت صورت گرفته باشد زدوده می‌گردد، که هیچ چیز چون دوری از انصاف آسیب‌زا نیست و هیچ تکیه‌گاهی برای حکومت و مدیریت چون آن نیست که امیرمؤمنان، علی (ع)، فرموده است: «داد مردمان را از خود بدهید تا به شما اعتماد کنند» (تحف العقول: ۱۴۹). امام علی (ع) در آموزه‌ها و فرمان‌های حکومتی و مدیریتی خود بسیار به انصاف‌ورزی در همه امور سفارش و تأکید کرده است و کارگزاران خود را در این جهت آموزش داده و به پایبندی بر آن هدایت و مدیریت کرده است: «پس از جانب خود با مردمان انصاف روا دارید».

امیرمؤمنان، علی (ع)، کارگزاران خود را پیوسته به رعایت مساوات در اداره امور سفارش می‌کرد؛ چنان‌که وقتی محمد بن ابی‌بکر را والی مصر قرار داد، در فرمانی به او یادآور شد تا با مردمان به نرمی رفتار کند و همه را به یک چشم بنگرد و خویش و بیگانه را در حق برابر شمارد (تحف العقول: ۱۷۶). هم‌چنین، آن حضرت، در نامه‌ای که پس از رفتن محمد بن ابی‌بکر به مصر به او و اهل مصر نوشته است، به محمد بن ابی‌بکر سفارش می‌کند که بر اساس مساوات امور را اداره کند و پیامدهای آن را یادآور می‌شود تا محمد بن ابی‌بکر بداند که این امر از چه اهمیتی برخوردار است:

و همه را به یک چشم نگاه کن (در میان آنان مساوات را رعایت کن) تا بزرگان در تبعیض تو طمع ستم بر ناتوانان نبندند و ناتوانان از عدالتت مأیوس نگردند (نهج البلاغه، ۱۳۷۶: نامه ۲۷).

مشخص است که اگر زمامداران و کارگزاران در عمل پایبند اصل مساوات نباشند و همه را به یک چشم ننگرند و تبعیض روا دارند، زمینه تجاوز و تعدی را برای زورمندان و ستمگران فراهم خواهند کرد و اسباب یأس و نومیدی را برای ستمدیدگان؛ و این امر مهم‌ترین علت تباهی و سقوط حکومت‌ها و دولت‌هاست و هیچ دولتی نمی‌تواند در چنین اوضاع و احوالی به مقاصد اصلاحی دست یابد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹ ب).

مهم‌ترین وجوه رعایت اصل مساوات در اداره امور مساوی بودن همگان در برابر قانون است. رعایت قانون از جانب همگان سبب عدم تبعیض و عمل به مساوات در اجرای قانون می‌شود و برترین چیزی است که سلامت دولت‌ها را حفظ می‌کند و پشتیبانی مردمی آن‌ها را تضمین می‌نماید. امیرمؤمنان در روزگاری که از حکومت محروم شده بود این حقیقت را به زمامداران یادآور می‌شد تا آنان از مسیر درست خارج نشوند؛ چنان‌که به عمر بن خطاب یادآور شد:

سه چیز است که اگر آن‌ها را پاس داری و بدان‌ها عمل نمایی، از سایر امور بی‌نیاز باشی و اگر آن‌ها را ترک کنی، چیزی جز آن‌ها سودت نبخشد. [پرسید: آن‌ها چیست؟ فرمود:] اجرای حدود (قانون) [به طور یکسان] نسبت به نزدیک و دور (خویش و بیگانه)، و حکم به کتاب خدا در خشنودی و خشم، و تقسیم [بیت‌المال] به عدالت (مساوات) میان سفید و سیاه (التهدیب: ۶/۲۲۷).

مساوی بودن همگان در برابر قانون و پرهیز از هرگونه تبعیض و بی‌عدالتی در اندیشه و سیره امیرمؤمنان چنان اهمیت داشت که اندکی دورشدن از آن را برنمی‌تافت. داستان به دادگاه کشیده‌شدن امیرمؤمنان در زمان خلافت خلیفه دوم نمونه‌ای است درس‌آموز برای همه زمامداران و کارگزاران مسلمان در طول تاریخ.

در زمان عمر بن خطاب فردی یهودی بر ضد امیرمؤمنان اقامه دعوا کرد و کار به محکمه کشید. عمر بن خطاب امیرمؤمنان را، به منظور اقامه دلیل، به محکمه دعوت کرد و در آنجا علی (ع) را با کنیه «ابوالحسن» خطاب کرد. حضرت از این‌گونه بیان رنگش متغیر شد. پس از اتمام مرافعه، خلیفه به علی (ع) گفت: «گویا از این‌که با یک یهودی در محکمه حاضر شدی تا اقامه دلیل کنی ناراحت گشتی؟» حضرت فرمود: «هرگز. ناراحتی من از این بود که مرا با کنیه یاد کردی [و بدین سان مرا بر او ترجیح دادی] و رعایت مساوات میان من و مدعی را نکردی؛ حال آن‌که مسلمان و یهودی در پیشگاه حق و از نظر قانون مساوی‌اند» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹ ب).

دولت اسلامی به اهداف متعالی دست نمی‌یابد مگر آن‌که همگان، اعم از زمامداران و

مردمان، توانگران و ناتوانان، در برابر قانون مساوی شمرده شوند و همه مردم از نظر حقوق انسانی و طبیعی یکسان به‌شمار آیند و میان پیشوای مسلمانان و فردی عادی یا شخصی اهل کتاب و در ذمه حکومت اسلامی فرقی نباشد. زیباترین جلوه مساوات در برابر قانون ماجرای است که در زمان زمامداری امیرمؤمنان روی داده است. زمانی که امیرمؤمنان در مصدر حکومت بود، زره آن حضرت به سرقت رفت. روزی امام علی (ع) زره خود را در دست مردی نصرانی یافت و او را نزد شریح قاضی برد تا اقامه دعوا کند. به شریح گفت: «این زره از آن من است که نه آن را فروخته و نه بخشیده‌ام». مرد نصرانی منکر شد و ادعا کرد که زره زره خود اوست و اضافه کرد که «البته نمی‌گویم که امیرمؤمنان دروغ می‌گوید». شریح رو به امام کرد و گفت: «ای امیرمؤمنان، آیا بر گفته خود شاهد و دلیلی داری؟» گفت: «نه» پس شریح به سود آن نصرانی حکم داد. نصرانی اندکی رفت و بازگشت و گفت: «شهادت می‌دهم که این‌گونه قضاوت‌ها قضاوت پیامبران است. امیرمؤمنان مرا نزد قاضی خود آورده است و قاضی او به زیانش رأی می‌دهد. شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست. ای امیرمؤمنان، به خدا سوگند که این زره زره تو است. سپاهت حرکت کرد و تو به صفین می‌رفتی. این زره از پشت شتر خاکستری تو فروافتاد». حضرت فرمود: «اکنون که اسلام آوردی، این زره از آن تو باشد». و اسبی نیز بدو داد.

اگر اصل مساوات در اداره امور رعایت شود، زمینه بهتری برای سیر به سوی اهداف دولت اسلامی و رشد و تعالی مردمان ایجاد خواهد شد.

۴.۱.۶ قانون اساسی

شاید مهم‌ترین بُعد حکمرانی و حکمرانی جامع قانون اساسی دولت و سیستم حکمرانی باشد. قانون اساسی سند اساسی راهنماست که مانند نقشه حکمرانی عمل می‌کند. در فرهنگ لغت رندم هوس (وبستر)، قانون اساسی (constitution) چنین تعریف شده است: سیستم اصول اساسی که بر اساس آن ملت، کشور، شرکت یا مانند آن اداره می‌شود (Random House (Firm), 1997). حضرت در نامه خود به مالک اشتر، بعد از ذکر حقوق طبقات اجتماعی، به ویژه حقوق طبقات پایین، می‌فرماید:

و خدا نصیب هر دسته را معین داشته و میزان واجب آن را در کتاب خود یا سنت پیامبرش (ص) نگاهشته، که پیمانی از جانب خداست و نگه‌داری شده نزد ماست (نهج البلاغه، ۱۳۷۶: نامه ۵۳).

اگرچه نخست به نظر می‌رسد که منظور از عهد یا پیمان خدا فقط مسئله حقوق طبقه‌ها و قشرهای اجتماعی است، به حکم قرائن دیگر و این قاعده اصولی که مورد منحصر نیست، می‌توان گفت که نگاه حضرت علی (ع) به کتاب خدا، قرآن، و سنت پیامبر (ص) این است که این دو اصولی اساسی‌اند و جامعه اسلامی بر اساس آن‌ها اداره می‌شود. بنابراین، اگرچه در زمان حضرت علی (ع) چیزی به نام قانون اساسی، به گونه‌ی امروزی، وجود نداشته، تأکید حضرت بر این مطلب، که کتاب خدا و سنت پیامبر عهد و پیمانی برای ما شناخته می‌شود، نشان می‌دهد که قانون اساسی خوبی که بر مبنای قرآن و سنت شکل گرفته اساس نظام سیاسی و اداری یک کشور را تشکیل می‌دهد و به منزله یک نقشه می‌تواند راه صحیح را نشان دهد. در جای دیگر حضرت به مالک اشتر می‌نویسند:

و آن‌جا که کار بر تو گران شود و دشوار و حقیقت کارها ناآشکار، به خدا و رسولش باز آر، زیرا خدای والایگاه مردمی را که دوستدار راهنمایی‌شان بوده گفته: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدای را فرمان برید. پس اگر در چیزی با یک‌دیگر به‌ستیزه درآمدید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید. و بازگرداندن به خدا گرفتن محکم کتاب او، قرآن، است، و بازگرداندن به پیامبر گرفتن سنت جامع اوست که پذیرفته همگان است (همان).

این فراز از کلام حضرت هم شاهد دیگری بر این است که کتاب خدا و سنت پیامبر اصولی اساسی‌اند که جامعه اسلامی بر اساس آن‌ها اداره می‌شود. دقیقاً به همین صورت که می‌گوییم در نظام سیاسی یک کشور قانون اساسی عالی‌ترین قانون است و همه قوانین بر اساس آن سنجیده می‌شوند و در صورت مغایرت با آن ابطال می‌گردند.

۵.۱.۶ سازمان و نهاد

بعد دیگر حکمرانی و حکمرانی جامع مؤلفه‌ها یا مشخصه‌های سازمانی و نهادی است. در یک دولت و یک سازمان همه مراتب مدیریتی در پیوند با یک‌دیگرند و اجزایی گسسته و بی‌ارتباط با هم نیستند، و عملکرد هر یک در کل مجموعه تأثیرگذار است. اجزای دولت و سازمان، از بالاترین واحد تا پایین‌ترین، جزیره‌های مجزایی نیستند، بلکه اجزای یک دستگاه‌اند که باید همه با هم هماهنگ، هم‌جهت، و متناسب کار کنند. هرگونه خللی در یکی از اجزا همه مجموعه را مختل می‌سازد. امیرمؤمنان در نامه‌ای به عبدالله بن عباس، در زمانی که فرماندار بصره بود، یادآور شده است:

پس، ابوالعباس خدایت پیام‌زاد در آنچه بر زبان و دست تو جاری گردد، خوب باشد یا بد، کار به مدارا کن که من و تو در آن شریک خواهیم بود (همان: نامه ۱۸).

بنابراین، در اندیشه مدیریت امام علی (ع) همه مراتب مدیریت در سازمان و مدیریت با هم پیوند دارند و مسئول بالاتر در اعمال و رفتار مسئول پایین تر شریک است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸).

۶.۱.۶ مدیریت و عملکرد

ابعاد مدیریتی و عملکردی حکمرانی جامع به صورت مستقیم به هم مربوطاند. آن‌ها اجزای تشکیل دهنده کل سیستم‌اند. اما عملکرد تنها کافی نیست؛ عملکرد باید پیامدهایی مطلوب در پی داشته باشد؛ پیامدهایی که به مشروعیت نهادی یا مشروعیت سیستم تبدیل می‌شوند (Farazmand, 2004 b).

۷.۱.۶ عملکرد حکمرانی

حضرت علی (ع) درباره عملکرد یا همان موفقیت حکمرانی می‌فرمایند:

از خداوند بزرگ، با رحمت گسترده و قدرت برترش در انجام تمام خواسته‌ها، درخواست می‌کنیم که به آنچه موجب خشنودی اوست ما و تو را موفق فرماید، که نزد او و خلق او دارای عذری روشن باشیم، برخوردار از ستایش بندگان، یادگار نیک در شهرها، رسیدن به همه نعمت‌ها و کرامت‌ها بوده، و این‌که پایان عمر من و تو را به شهادت و رستگاری ختم فرماید، که همانا ما به سوی او بازمی‌گردیم. با درود به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت پاکیزه و پاک او؛ درودی فراوان و پیوسته. با درود (نهج البلاغه، ۱۳۷۶: نامه ۵۳).

حکومت موفق حکومتی نیست که با استبداد و بیداد و خودکامگی و ستمگری و خشونت و شدت و فریب و نیرنگ و ریاکاری و بی‌صداقتی صدها سال برپا باشد و سلطه خود را بر مردمان نگه دارد. امیرمؤمنان، علی (ع)، در بیانی والا فرموده است: «و درود خدا بر او، فرمود: پیروز نشد آن کس که گناه بر او چیرگی یافت، و آن کس که با بدی پیروز شد شکست خورده است» (جوهری، ۱۳۸۱). حکومت موفق حکومتی است که آزادی و بینایی و آگاهی و دادگری و آسودگی و برابری و برادری را برای مردمان به‌ارمغان آرد و حق را برپا کند و راه بندگی حقیقی را هموار سازد و در راه این امور تلاش نماید؛ با توجه به بیان علی (ع)، «هر که جنگ کند بر اقامت حق، یعنی از برای برپاداشتن آن، توفیق داده شود» (همان)، حکومت امام علی (ع) این‌چنین بود. پیشوای آزادگان، علی (ع)، این راه را پیمود و شاخصه‌های حکومت موفق را در دورانی کوتاه از نظر زمانی، اما به بلندای آسمان،

به‌روشنی ارائه نمود. همه برنامه‌ها، تلاش‌ها، و اقدامات حکومتی و مدیریتی برای آن است که موفقیت به‌دست آید. اما این که موفقیت چیست و در چیست تابع بینش‌ها، ارزش‌ها، گرایش‌های حکومتی و مدیریتی، و ماحصل کارکرد آن‌هاست. در این میان، آنچه علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر بیان کرده برای آن است که با عمل بدان موفقیت در حکومت و مدیریت حاصل شود. آن حضرت، همان‌طور که در بالا در نامه ۵۳ ذکر گردید (از خداوند بزرگ، با رحمت گسترده و قدرت برترش در انجام تمام خواسته‌ها، درخواست می‌کنیم که به آنچه موجب خشنودی اوست ما و تو را موفق فرماید)، همه موفقیت‌ها را در رسیدن به خشنودی الهی می‌داند. علی (ع) موفقیت در حکومت و مدیریت را کسب رضایت الهی می‌داند. اما رضایت الهی در چیست و شاخصه‌های خشنودی الهی کدام است تا کلی‌گویی نشود و هر کس تحت لوای آن هر گونه عمل نکند و ادعا ننماید. اگر مشخص نگردد که رضایت الهی در عرصه حکومت و مدیریت با چه چیز سنجیده می‌شود، هر حکومت و مدیریتی، با هرگونه عملکردی، می‌تواند ادعای رضایت الهی بکند و با ابزار گوناگون مردم را فریب دهد. از این‌رو، امام علی (ع) برای مشخص شدن این امر و روشن‌بودن شاخصه‌های موفقیت پنج معیار ارائه کرده است:

۱. برپاداشتن عذر آشکار به درگاه خدا و پیشگاه مردمان؛
۲. برپاداشتن نیک‌ستایی و نام نیک در میان بندگان؛
۳. برپاداشتن اثر زیبا و برازنده در سرزمین؛
۴. تمام‌شدن نعمت در حیطه حکومت و مدیریت؛
۵. چندبرابرکردن کرامت در حکومت و مدیریت.

از شاخصه‌های مهم موفقیت حکومت و مدیریت سیر صعودی کرامت مردمان و اداره‌شوندگان در حکومت و مدیریت است؛ آن هم به صورت چندبرابرشدن. از این رو، هرگونه کاستی در حرمت و کرامت مردمان نشانه ناتوانی در حکومت و مدیریت و ناموفق‌بودن آن است. چهره هر حکومت و مدیریت، از نظر میزان توفیق و عدم توفیق، به‌شدت تابع میزان حرمت و کرامت مردمان و اداره‌شوندگان است و معیاری که امیرمؤمنان به‌دست می‌دهد معیاری روشن و گریزناپذیر است. حکومت و مدیریتی که می‌تواند این شاخصه‌ها را به میدان عمل آورد، تحقق بخشد، و به‌درستی پاس دارد حکومت و مدیریتی موفق است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸).

در اندیشه و سیره مدیریتی امیرمؤمنان، علی (ع)، محور مدیریت صحیح دانش و دانایی

است، زیرا اساس هر تصمیم و اقدام و برنامه درست دانش جامع و عمیق است و جز بدان نمی‌توان به سامان نیک در کاری و به مقصد دست یافت. به تعبیر علی (ع)، «العلم خیر دلیل»: دانش بهترین راهنماست (شرح غرر الحکم و درر الکلم: ۱/۱۵۶).

۸.۱.۶ خط‌مشی‌گذاری

بعد خط‌مشی‌گذاری در حکمرانی جامع به عناصر، ابعاد فرایند، ساختار، و مدیریت جهت و هدایت جامع می‌دهد. حکومت اسلامی جز با راستی و درستی و پایداری مردمان و حضور و مشارکت همه‌جانبه مردمان سامان نمی‌یابد. امیرمؤمنان تلاش می‌کرد که مردمان حکومت را این‌گونه بفهمند و از مناسبات سلطه‌گرانه و سلطه‌پذیرانه بیرون شوند و در همه عرصه‌ها حضوری واقعی داشته باشند؛ چنان‌که خطاب به آنان فرمود:

پس با من چنان‌که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند حرف نزنید و چنان‌که از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند دوری نجوید و با ظاهرسازی با من رفتار نکنید و گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید، بر من گران آید یا در پی بزرگ نشان‌دادن خویشم، زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه‌شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن برای او دشوارتر خواهد بود. پس، از گفتن حق یا مشورت در عدالت خودداری نکنید، زیرا خود را برتر از آن‌که اشتباه کنم و از آن ایمن باشم نمی‌دانم، مگر آن‌که خداوند مرا حفظ فرماید (نهج البلاغه، ۱۳۷۶: خطبه ۲۰۷).

برای این‌که مردم نقش جدی و اساسی در حکومت داشته باشند، باید زمینه و بستر مناسب آن فراهم شود. امام علی (ع) تلاش می‌کرد با فراهم کردن مناسباتی سالم، به دور از خودکامگی و خودکامگی‌پذیری، مردم را به صحنه حکومت بکشاند و آنان را این‌گونه مخاطب قرار داده است و هر گونه رابطه جبارانه و مستبدانه را زیر پا گذاشته است تا مردم با صراحت و صداقت و از سر احساس مسئولیت به مشارکت در امور حکومت برخیزند و حق را به‌پا دارند و از عدالت پاسداری کنند و میان خود و والیان فاصله‌ای نینند و زمامداران را نصیحت نمایند. امیرمؤمنان فرموده است:

از جمله حق‌های خدا بر بندگان یک‌دیگر را به مقدار توان اندرزدادن است و در برپاداشتن حق میان خود یک‌دیگر را یاری نمودن (همان).

امیرمؤمنان (ع) هیچ کس را بی‌نیاز از همیاری و پذیرفتن همکاری نمی‌دانست و هیچ کس را ناتوان از یاری نمودن و همکاری کردن نمی‌دید. او همگان را در هر مرتبه و جایگاه و با هر درک و فهم به مشارکت می‌خواند؛ چنان‌که فرموده است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹ الف):

هیچ کس هرچند قدر وی در حق بیش تر بود و فضیلت او در دین بیش تر بی نیاز نیست که او را در گزاردن حق خدا یاری کنند. و هیچ کس هرچند مردم او را خوار شمارند و دیده‌ها وی را بی مقدار خردتر از آن نیست که کسی را در انجام دادن حق یاری نکند یا دیگری به یاری او برخیزد (نهج البلاغه، ۱۳۷۶: خطبه ۲۰۷).

۹.۱.۶ اقشار جامعه

دیگر حکمرانی جامع و ویژگی‌های بخشی آن است که همه ابعاد دیگر را دربر می‌گیرد. حضرت علی (ع) درباره برخی از بخش‌های جامعه توصیه‌هایی می‌کنند، از جمله آن نوشته حضرت که خطاب به مالک می‌فرمایند:

سپس، سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر و آن‌ها را به نیکوکاری سفارش کن. بازرگانانی که در شهر ساکن‌اند یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می‌باشند و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند، چرا که آنان منابع اصلی منفعت و پدیدآورندگان وسایل زندگی و آسایش و آورندگان وسایل زندگی از نقاط دوردست و دشوار می‌باشند: از بیابان‌ها و دریاها و دشت‌ها و کوهستان‌ها؛ جاهای سختی که مردم در آن اجتماع نمی‌کنند یا برای رفتن به آن‌جاها شجاعت ندارند. بازرگانان مردمی آرام‌اند و از ستیزه‌جویی آنان ترسی وجود نخواهد داشت، مردمی آشتی‌طلب‌اند که فتنه‌انگیزی ندارند. در کار آن‌ها بیندیش چه در شهری باشند که تو به‌سر می‌بری یا در شهرهای دیگر (همان: نامه ۵۳).

بازرگانی و صنعت، از منظر امیرمؤمنان، علی (ع)، جایگاهی اساسی در ساختار اقتصادی و اجتماعی دارد و نگاه حضرت به آن مثبت است. آن حضرت بازرگانی و صنعت را دارای ماهیتی سازنده و آشتی‌جویانه و در پرهیز از جنگ و فتنه می‌داند و بر آن است که بازرگانی و صنعت مایه گذران زندگی اقتصادی مردم است و بدون بازرگانی و صنعت فعال و سالم زندگی مردم از آرامش بی‌بهره است (همان‌طور که پیش‌تر در نامه ۵۳ ذکر شد، آنان مایه‌های سودها و وسیله به دست آمدن درآمدها و کالاهای مورد نیاز مردم‌اند. آورنده آن از جاهای دوردست و دشوار، در بیابان و دریا و دشت و کوهسار و جاهایی که مردم برای موقعیت‌های دشوارش در آن‌جاها نمی‌پیوندند و دلیری رفتن بر سر آن‌جاها را در سر نمی‌پروراندند. این بازرگانان مردمی آرام‌اند و نمی‌ستیزند و آشتی‌جوی‌اند و فتنه‌ای نمی‌انگیزند). امیرمؤمنان بر دو موضوع تأکید کرده است: ۱. نقش اقتصادی بازرگانان و صنعتگران؛ ۲. ماهیت کار آنان و گرایش ایشان به صلح و آشتی، که در چنین شرایطی زمینه کار اقتصادی آنان فراهم است و می‌توانند به‌خوبی فعالیت نمایند و بهره برسانند و بهره

ببرند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸). (پس درباره بازرگانان و صنعتگران سفارش [مرا] بپذیر، و به بهترین شیوه درباره آنان سفارش کن؛ چه کسی که بر جایی بود و چه آن که با مال خود از این سو بدان سو رود و با دسترنج خود کسب کند... و کار آنان را واری کن، چه در آنجا باشند که خود به سر می‌بری و چه در گوشه و کنار سرزمین فرمانداری‌ات).

۷. نتیجه‌گیری

بیش‌تر ابعاد الگوی حکمرانی جامع در سیره حکومتی علی (ع) تأیید می‌شود. فقط بُعد جهانی حکمرانی جامع، به دلیل آن که از شرایط زمانی الگو می‌پذیرد و متأثر از جریان‌های سیاسی جهانی امروز است، کم‌تر در سیره امیرمؤمنان، علی (ع)، قابل ردیابی است. فرایند حکمرانی در سیره حضرت به نحوی است که مردم نقشی ایجاد، ابقایی، و اصلاحی دارند و تحقق حکومت و صلاح و سامان و پابرجایی و سیر به سوی اهداف آن به مردم بسته است. ساختار حکمرانی حضرت ساختاری عادلانه و متحول‌شده نسبت به خلفای گذشته بوده و حضرت در آن بر قانونی عمل کردن تأکید فرموده است. بُعد ارزش‌ها در حکمرانی حضرت بُعدی بسیار برجسته است. ارزش‌هایی مانند عدالت، انصاف، و مساوات از ارزش‌های محوری‌اند که هم حضرت عملاً به آن‌ها وفادار بود و هم به طور اکید به کارگزارانش رعایت آن‌ها را توصیه می‌فرمود. قانون اساسی به صورت امروزین در حکمرانی حضرت وجود نداشته است، اما از مجموعه رفتار و گفتار حضرت چنین استنباط می‌شود که ایشان به قرآن و سیره پیامبر، به منزله اصولی اساسی در اداره حکومت خود، عمل می‌کرده است، و این دو مصداق‌هایی هستند که حضرت با عنایت به آن‌ها حکومتش را بنا نهاده است. سازمان‌ها و نهادها در حکمرانی حضرت مجموعه‌های منسجم‌اند. امیرمؤمنان در نامه‌ای به عبدالله بن عباس، زمانی که فرماندار بصره بود، یادآور شده است: در یک دولت و یک سازمان همه مراتب مدیریتی در پیوند با یک‌دیگرند و اجزای گسسته و بی‌ارتباط با هم نیستند و عملکرد هر یک در کل مجموعه تأثیرگذار است. اجزای دولت و سازمان، از بالاترین واحد تا پایین‌ترین، جزیره‌های مجزا نیستند، بلکه اجزای یک دستگاه‌اند که باید همه با هم هماهنگ، هم‌جهت، و متناسب کار کنند و هر خللی در یکی از اجزا همه مجموعه را مختل می‌سازد. مدیریت و عملکرد در حکمرانی حضرت به این صورت است که در اندیشه و سیره مدیریتی امیرمؤمنان، علی (ع)، محور مدیریت صحیح دانش و دانایی است، زیرا اساس هر تصمیم و اقدام و

برنامه درست دانش جامع و عمیق است و جز بدان نمی‌توان به سامان نیک در کاری و به مقصد دست یافت. امیرمؤمنان موفقیت در حکومت و مدیریت را منوط به کسب رضایت الهی می‌داند و، از نظر ایشان، هر نوع نابسامانی نشان بی‌عدالتی است و اگر عدالت هدف حکومت قرار گیرد و لوازم آن تحقق یابد، جامعه سامان می‌یابد. حکومت اسلامی جز با راستی و درستی و پایداری مردمان و حضور و مشارکت همه‌جانبه مردمان سامان نمی‌یابد و امیرمؤمنان تلاش می‌کرد که مردمان حکومت را این‌گونه بفهمند و از مناسبات سلطه‌گرانه و سلطه‌پذیرانه بیرون شوند و در همه عرصه‌ها حضوری واقعی داشته باشند. در مورد بُعد بخشی حکمرانی، حضرت علی (ع) درباره برخی از بخش‌های جامعه، مانند بخش صنعت و بازرگانی، توصیه‌هایی می‌کنند. بازرگانی و صنعت، از منظر امیرمؤمنان، جایگاهی اساسی در ساختار اقتصادی و اجتماعی دارد و نگاه حضرت به آن مثبت است. آن حضرت بازرگانی و صنعت را دارای ماهیتی سازنده و آشتی‌جویانه و در پرهیز از جنگ و فتنه می‌داند و بر آن است که بازرگانی و صنعت مایه گذران زندگی اقتصادی مردم است و بدون بازرگانی و صنعت فعال و سالم زندگی مردم از آرامش بی‌بهره است. در بُعد جهانی شدن، گفتیم که این بُعد در سیره حکومتی حضرت کم‌تر یافت می‌شود، زیرا تا جایی که می‌دانیم این مسئله، که یک ساختار قدرت بیرونی مقررات و شرایطی را بر آن تحمیل کند و هر روز استقلال آن را بیش‌تر تهدید نماید، مسئله تازه‌ای است که در گذشته وجود نداشته است، اما استلزامات عملی آن برای ما از قرآن و سنت استخراج‌شدنی است. بُعد اخلاق، پاسخ‌گویی، و شفافیت در سیره حضرت بدین گونه است که در اندیشه و سیره سیاسی امیرمؤمنان صراحت و صداقت از جمله برجسته‌ترین ویژگی‌هایی است که زمامداران باید دارا باشند. حکومت و مدیریت امام علی (ع) این‌گونه بود: شفاف و به دور از هرگونه ناراستی، پنهان‌کاری، دروغ‌گویی، و فریب‌کاری. درباره شفاف‌بودن حکومتش چنین فرموده است: «بدانید که حق شما در نزد من آن است که هیچ رازی را جز در جنگ بر شما نپوشانم» (جوهری، ۱۳۸۱). حضرت بر ضرورت نظارت مردم بر اعمال کارگزاران تأکید و سفارش کرده است. معیار آن حضرت برای قضاوت مردم درباره اعمال کارگزاران سیاسی مطابقت اعمال آن‌ها با سنت و احکام دینی است. از نظر امام علی (ع)، مردم باید از کارگزار خطاکار، که از سنت اسلامی و فرمان الهی سربلایی کرده، دوری کنند و او را نپذیرند و کارگزار سیاسی نیز مجاز به اجرای همه دستورهای فرادست خود نیست و ملاک او نیز مطابقت دستورها با احکام دین است.

۱۰۸ تبیین ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام علی (ع): ...

جدول مشخصه‌های حکمرانی متعالی در سطح حکومت و دولت

ردیف	حکمرانی متعالی در سطح حکومت و دولت
۱	فرایند: <ul style="list-style-type: none"> • فرایند تشکیل حکومت اسلامی • فرایند ایقا و سامان حکومت اسلامی
۲	ساختار
۳	شناخت و ارزش‌ها: <ul style="list-style-type: none"> • عدالت • انصاف • مساوات
۴	قانون اساسی
۵	سازمان و نهاد
۶	مدیریت عملکرد: <ul style="list-style-type: none"> • عملکرد حکمرانی • مدیریت دانش
۷	خط‌مشی‌گذاری
۸	بخش
۹	نیروهای بین‌المللی و جهانی
۱۰	اخلاق، پاسخ‌گویی، و شفافیت: <ul style="list-style-type: none"> • صراحت و صداقت • شفافیت • پاسخ‌گویی

جدول مشخصه‌های حکمرانی متعالی در سطح سازمان‌های دولتی و خدماتی

حکمرانی متعالی در سطح سازمان‌های دولتی و خدماتی	ابعاد
نظریه دموکراتیک رویکردهای متکثر به دانش شامل رویکردهای پوزیتیویستی، تفسیری، انتقادی، و پست‌مدرن	مبانی نظری و معرفت‌شناختی اولیه
عقلانیت استراتژیک آزمون متعدد عقلانیت (سیاسی، اقتصادی، و سازمانی)	عقلانیت غالب و مدل‌های مرتبط رفتار انسانی

از گفتمان پیرامون ارزش‌های مشترک حاصل می‌شود	مفهوم‌پردازی منافع عمومی
شهروندان	مرجع پاسخ‌گویی مدیران دولتی
خدمت‌کردن: دولت به توانمندسازی شهروندان و خلق ارزش‌های مشترک میان آنان می‌پردازد	نقش دولت
ایجاد ائتلافی از سازمان دولتی، خصوصی، و غیرانتفاعی برای ارضای نیازهای متقابل یک‌دیگر	مکانیزم‌های دست‌یابی به اهداف خط‌مشی
پاسخ‌گویی چندجانبه: مدیران دولتی باید به قوانین اساسی و عادی، ارزش‌های اجتماعی، هنجارهای سیاسی، استانداردهای حرفه‌ای و حقوق شهروندی مقید باشند	رویکرد به پاسخ‌گویی
آزادی عمل امری ضروری اما محدود بوده و توأم با پاسخ‌گویی است	آزادی عمل اداری
ساختارهای مبتنی بر همکاری و رهبری مشترک	ساختار سازمانی مفروض
خدمت به مردم، آرزوی کمک به جامعه	مبنای انگیزش مدیران دولتی

منابع

- نهج‌البلاغه (۱۳۷۶). به اهتمام سیدصادق موسوی، تهران: مؤسسه امام صاحب‌الزمان (عج).
- امیری، مجتبی (۱۳۸۲). «نظریه و نظریه‌پردازی در دانش مدیریت»، روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۲۱۶.
- بوریل، گیسیون و گارت مورگان (۱۳۸۳). نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان، ترجمه محمدتقی نوروزی، تهران: سمت.
- جناتی، محمدابراهیم (۱۳۷۲). ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، تهران: کیهان.
- جوهری، محمدرضا (۱۳۸۱). اجتهاد در عصر ائمه معصومین (ع)، قم: بوستان کتاب.
- خاکی، غلام‌رضا (۱۳۸۳). روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی، تهران: بازتاب.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹ الف). حکومت حکمت: حکومت در نهج‌البلاغه، تهران: دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹ ب). دولت آفتاب: اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی (ع)، تهران: دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۸). دلالت دولت: آیین نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر، تهران: دریا.
- دهقانان، حامد و عطاءاله هرنندی (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد نوآوران: با تأکید بر نقش میانجی انتقال دانش، نشریه مدیریت نوآوری، س ۳، ش ۱.

۱۱۰ تبیین ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام علی (ع): ...

سرمد، زهره و عباس بازرگان (۱۳۸۰). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه.
سنجایی، علیرضا (۱۳۸۴). روش‌شناسی در علم سیاست و روابط بین‌الملل با بهره‌گیری و معرفی نرم‌افزار SPSS، تهران: قومس.

فریدونی، علی (۱۳۸۵). اصول و مبانی سیاست از دیدگاه امام علی (ع)؛ اندیشه سیاسی در گفت‌وگو، قم: بوستان کتاب.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۵). دولت در اندیشه و عمل امام علی (علیه السلام)، اندیشه سیاسی در گفت‌وگو، قم: بوستان کتاب.

میرزایی اهرنجانی، حسن (۱۳۸۶). زمینه‌های روش‌شناختی تئوری سازمان، تهران: سمت.

Farazmand, Ali (2001). 'Comparative and Development Public Administration: Past, Present, and Future', *Handbook of comparative and development public administration*, 2nd ed., ed. Ali Farazmand, 9-22, New York: Marcel Dekker.

Farazmand, Ali (2004 a). 'Globalization and Governance: A Theoretical Analysis', *Sound governance: policy and administrative innovations*, ed. Ali Farazmand, 27-56, Westport, Conn.: Praeger Publishers.

Farazmand, Ali (2004 b). 'Sound Governance in the Age of Globalization: A Conceptual Framework', *Sound governance: policy and administrative innovations*, ed. Ali Farazmand, 1-23, Westport: Praeger Publishers.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی